کد خبر: ۳۹۷۹۵۲
پنج شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۱۲:۱۰

# سختی‌های بازیگر شدن از زبان «ساعد سهیلی»

گفت و گوی ساعد سهیلی را درباره سختی‌هایی که در راه رسیدن به سینما طی کرده بخوانید.

به گزارش سایت خبری پرسون، این بازیگر مشهدی سینما در رویداد حرکت انسانی که شامگاه گذشته، ۲۸ اردیبهشت‌ماه در مشهد برگزار شد، در رابطه با راهی که برای بازیگر شدن طی کرده است، اظهار کرد: از زمان کودکی عاشق بازیگری و برای تست دادن به دفترهای مختلف سینمایی مراجعه می‌کردم، اما به من اعتماد نمی‌کردند و معمولا نقش‌های خیلی کوتاه به من پیشنهاد می‌دادند. این روند تا سال ۱۳۸۷ ادامه پیدا کرد و آن زمان باید به سربازی می‌رفتم. برای سربازی به نیشابور اعزام شدم، خدمت را شروع کردم. در آنجا با یک فرد تهرانی آشنا شدم و جای خود را برای سربازی با عوض کردم و به تهران رفتم. پس از آن به شهرک سینمایی دفاع مقدس رفتم.

وی افزود: مسیر من تا آنجا خیلی دور بود. یعنی باید ۵ صبح از خواب بیدار می‌شدم و چند وسیله نقلیه سوار می‌شدم تا به محل خدمت برسم. روزانه ۶ ساعت در راه بودم و کارم آنجا این بود که گردگیری انجام دهم، چایی بریزم، زباله‌ها را آتش بزنم و سرویس‌های بهداشتی را نظافت کنم.

سهیلی تصریح کرد: زمان‌هایی که پست خود را ترک می‌کردم که فیلمبرداری سکانس فیلم‌های درحال تولید را تماشا کنم، تصور می‌کردم که شاید من می‌توانم بهتر از بازیگران آن فیلم‌ها بازی کنم، اما نمی‌دانستم این حس واقعی است یا نه و به خود مطمئن نبودم. فرمانده نیز برخی اوقات متوجه می‌شد که پست خود را ترک می‌کنم و اضافه خدمت می‌خوردم، اما به کارم ادامه می‌دادم.

وی خاطرنشان کرد: یک روز که باید زباله‌ها را وسط بیابان آتش می‌زدم، به آتش خیره شده بودم، در فکر بودم و نمی‌دانستم که در زباله مواد منفجره قرار دارد. یکدفعه آتش منفجر شد و حس کردم که صورتم سوخته است. به آینه‌ای رسیدم و دیدم صورتم سیاه است و هرچه آب روی صورتم می‌ریختم پاک نمی‌شد. مژه‌ها و ابروهایم نیز کاملا از بین رفته بود. در آن شرایط نگران بودم و با خود می‌گفتم که تنها ابزار بازیگری من می‌تواند صورتم باشد.

این بازیگر ادامه داد: فرمانده اجازه داد که برای درمان از آنجا خارج شوم اما هیچ ماشینی آنجا من را سوار نکرد که به بیمارستان بروم و فریاد کشیدم که چرا هیچکس من را نمی‌بیند. بالاخره آن زمان گذشت، صورتم خوب شد و پس از خدمت برای نقش اول یک فیلم انتخاب شدم. گمان می‌کنم که آن روز که با صورت سوخته فریاد زدم خدا صدایم را شنید.

سهیلی بیان کرد: برای فیلمی که بازی کردم بهترین بازیگر جشنواره شدم و پس از آن فیلم گشت ارشاد را بازی کردم. سال ۱۳۹۱ به یک جشنواره خانه سینما رفتم و به جایزه گرفتن شهاب حسینی نگاه می‌کردم. من آن زمان به خود گفتم که ۵ سال بعد باید این جایزه را کسب کنم، اما ۲ سال بعد توانستم آن جایزه را کسب کنم و تندیس را مانند شهاب حسینی بوسیدم.

وی اضافه کرد: برایم جالب بود که چرا این خاطره را فراموش کرده بودم.

منبع: ایسنا